

الْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**دانشگاه آزاد اسلامی**

**واحد تهران مرکزی**

**دانشکده ادبیات و علوم انسانی – گروه زبان و ادبیات عرب**

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.Sc)

**گرایش: زبان و ادبیات عرب**

**عنوان:**

**بررسی و نقد مجموعه اشعار (دیوان وهج الظهیرة) عباس محمود العقاد**

**استاد راهنما:**

**دکتر سیمین ولوی**

**استاد مشاور:**

**دکتر ناهده فوزی**

**پژوهشگر:**

**زرین تاج قباخلو**

زمستان ۹۰

## چکیده

این نوشتار به تحلیل و شرح دیوان "وهج الظهيرة"، یکی از دیوان های عباس محمود العقاد می پردازد و از این طریق به شناخت بُن مایه های فکری و روانی شاعر دست می یابد. نگارنده با مطالعه ی رویکردها و دیدگاه های نوین در عرصه تحلیل زبان شعری و ادبی، در این جُستار در پی آن است که بگوید: "با تعمق و تأمل در زبان شعری، می توان به شخصیت گوینده آن پی برد". بدین ترتیب با بررسی زبان شعری دیوان «وهج الظهيرة»، نگارنده به افکار و اندیشه های نهفته در اشعار این دیوان، دست می یابد که بیشتر با آراء و دیدگاه های نقدی عقاد، همخوانی و تناسب دارد؛ چرا که اولاً شعر عقاد بیشتر اوقات از صنعت شعری و فنون بلاغی عاری است و علت این امر آن است که خود عقاد در آراء نقدی خویش شعر را نه برای شعر و زیبایی، بلکه آن را وسیله ای برای رسیدن به هدف مورد نظر می دانست و ثانیاً او شعر را برای پیشبرد مقاصد والای انسانی به کار می گیرد که البته این کار را نه از روی تکلف، بلکه به راحتی و سیالی بی نظیر انجام می دهد. او از پیروان مکتب رمانتیک می باشد و هرچند که "عشق و طبیعت" از مهمترین موضوعات شعری او هستند اما در این دیوان، بینش فلسفی و آراء اجتماعی او رنگ تازه تری به دیوانش بخشیده است.

واژگان کلیدی: عقاد، خردمداری، زبان شعری، وهج الظهيرة، تحلیل و نقد

## تقدیم به

روح مادرم، او که با اشک و لجنخده من آموخت که دنیا، وسیع تر از آب و نان کلاس اول است

او که تنها قصه کوی شب های تب دار کودکی ام بود

مادری که میانم برای سپاس از تمام خوبی ها، دلسوزی ها و مهربانی هایش قاصر است.

پدرم، بزرگ مردی بلند هست که وجود پر مهرش، همواره پشتوانه زندگی ام و دریای بی کران صبرش  
آرامش وجودم بوده است، آنکه از نگاه سبز و آفتابی اش بالیدم و انبای زیستن را از قلب آکنده  
از عشقش آموختم.

و برادرم، بنزد همان کسی که با بردباریش مراد طوفان پر تلاطم زندگی همراهی کرد و لحظه ای دست از

حمایت من برنداشت

## تقدیر و تشکر

«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»

سپاس بی کران مخصوص پروردگار جهانیان است

که جمله ذرات عالم به عشقش رقصان

و ما بیدلان به مهرش گذرانیم

پروردگارا!!!!

تو را سپاس می گویم به خاطر آنچه به من عطا فرمودی، چرا که فراتر از حد شایستگی ام بود.

و سپاس می گویم به خاطر آنچه به من عطا فرمودی، چرا که به خیر من، آگاه تر از من بودی.

لحظه ای مرا به حال خود وا مگذار.

.....

در اینجا بر خود لازم می دانم که از زحمات بی دریغ استاد گرانقدر، دکتر سیمین ولوی، که به عنوان استاد راهنما، مرا در تالیف این رساله یاری نمودند، کمال تقدیر و تشکر را بنمایم. چرا که بی تردید بدون همکاری و کمک های صادقانه ایشان، نوشتن این پایان نامه برایم مقدور نبود. همچنین از تلاش و همکاری استاد عزیز، دکتر ناهده فوزی، که به عنوان استاد مشاور، همکاری بی شائبه ای مبذول داشته اند، صمیمانه قدردانی می نمایم. و در پایان نیز از تلاش مدیر محترم گروه زبان و ادبیات عرب در جهت برگزاری جلسه دفاع این رساله، تشکر و قدر دانی به عمل می آید.

مقدمه ..... ۴

فصل اول: کلیات ..... ۷

۱-۱ بیان مسأله: ..... ۸

۱-۲ اهداف تحقیق ..... ۸

۱-۳ اهمیت، ضرورت و انگیزه انتخاب موضوع تحقیق: ..... ۹

۱-۴ سؤالات تحقیق ..... ۹

۱-۵ فرضیات تحقیق ..... ۹

۱-۶ واژگان کلیدی ..... ۱۰

۱-۷ روش تحقیق: ..... ۱۰

۱-۸ پیشینه تحقیق ..... ۱۱

۱-۹ محدودیت ها و مشکلات کار: ..... ۱۲

فصل دوم: نگاهی به زندگی، آثار و اشعار عقاد ..... ۱۳

۲-۱ زندگی نامه عقاد ..... ۱۴

۲-۲ آثار عقاد ..... ۱۷

- ۱۷ ..... ۲-۲-۱ آثار ادبی
- ۱۹ ..... ۲-۲-۲ آثار دینی عقاد
- ۱۹ ..... ۲-۲-۳ آثار اجتماعی و سیاسی عقاد
- ۲۰ ..... ۲-۳ شعر عقاد
- ۲۳ ..... ۲-۳-۱ شعر از نظر عقاد
- ۳۲ ..... ۲-۳-۲ شعر عقاد از منظر دیگر ادباء و نویسندگان
- ۳۲ ..... ۲-۳-۲-۱ دیدگاه احمد ابراهیم الشریف
- ۳۲ ..... ۲-۳-۲-۲ دیدگاه عامر العقاد
- ۳۳ ..... ۲-۳-۲-۳ دیدگاه سعد زغول
- ۳۳ ..... ۲-۳-۲-۴ دیدگاه طه حسین
- ۳۴ ..... فصل سوم: معرفی، نقد و بررسی اشعار دیوان وهج الظهیره
- ۳۵ ..... ۳-۱ آشنایی با کلیات دیوان "وهج الظهیره"
- ۴۰ ..... ۳-۲ روش کار، بررسی موضوعات و تحلیل اشعار دیوان «وهج الظهیره»
- ۴۱ ..... ۳-۲-۱ نقد فنی- هنری
- ۴۱ ..... ۳-۲-۲ نقد روانشناسانه
- ۴۳ ..... ۳-۲-۳ نقد جبرگرای تاریخی- اجتماعی
- ۴۴ ..... ۳-۲-۴ نقد اجتماعی- ایدئولوژیک
- ۴۵ ..... ۳-۳ تحلیل قصیده «الوقار المستعار»
- ۵۳ ..... ۳-۴ تحلیل قصیده «كأسُ على ذكرى»
- ۵۶ ..... ۳-۵ تحلیل قصیده «أُمنَّا الأرض»

٧٠	..... ٣-٦ تحليل قصيده «شُبَّان مصر»
٨٩	..... ٣-٧ تحليل قصيده «العام الجديد»
٩٦	..... ٣-٨ تحليل قصيده «الكون و الحياء»
٩٩	..... ٣-٩ تحليل قصيده «الدُّنيا الميِّتة»
١٠٤	..... ٣-١٠ تحليل قصيده «تَبَسَّمَ»
١٠٨	..... ٣-١١ تحليل قصيده «المغنم المجهول»
١١٥	..... ٣-١٢ تحليل قصيده «المعري و ابنه»
١٢١	..... ٣-١٣ تحليل قصيده «داوِني»
١٢٥	..... نتیجه گیری
١٢٨	..... منابع و مأخذ
١٢٨	..... منابع و مراجع عربی
١٣١	..... منابع و مأخذ فارسی
١٣٢	..... پیوست ها و ضمائم
١٣٣	..... چکیده انگلیسی



عباس محمود عقاد در سرزمین «أسوان» در جنوب «وادی الکئانه» به دنیا آمد. وی سرشار از نبوغ، استعداد و همت عالی بود و نقش مهمی در نهضت ادبی جدید ایفا کرده است. وی یکی از ادبای بزرگ و سردمداران نقد ادبی معاصر می‌باشد و در زمینه تئوریهای ادبی، ادبیات غرب و اندیشه اسلامی صاحب نظر است. او با نوشتن کتاب‌هایی در زمینه ادبیات، بخشی از زندگی علمی خویش را در ادبیات و نقد شعر و نثر، و با نوشتن کتاب‌هایی در زمینه عبقریات تاریخ اسلام، بخشی را در زمینه تاریخ اسلام و عقیده اسلامی و با نوشتن کتاب‌هایی در زمینه نقد مسائل اجتماعی، قسمتی دیگر از زندگی فرهنگی اش را صرف نظریات اجتماعی کرده است.

او از دانش روان شناسی و انسان شناسی بهره فراوان برده و بخش عظیمی از تحلیل شخصیت‌های برجسته اسلامی توسط وی بیان گردیده است.

وی با داشتن دهها اثر در نقد ادبی و ابداع شیوه تحلیل روان شناختی در تحلیل آثار ادبا، ناقدی ادبی به شمار می‌آید و با سرودن دیوان شعر خود در ده جزء و سرایش شعر مرسل،<sup>۱</sup> (ضیف، ۱۹۶۴، ۴۳) شاعری توانمند محسوب می‌شود که با ارائه نظریه‌های بسیاری در ادبیات و شعر و بیان دیدگاه‌هایی در اصلاح ادبیات، نظریه پرداز و مصلحی ادبی نیز به شمار می‌آید. علاوه بر این‌ها وی با نوشتن دهها اثر به نام «عبقریات اسلامی» در تاریخ اسلام (به شیوه تحلیل روان شناسانه) مورخ اسلامی نیز محسوب می‌شود.

---

<sup>۱</sup> - شعری که به اوزان عروضی پایبند است اما ملزم به رعایت یک قافیه واحد در سراسر یک قصیده نیست بلکه شاعر یک قصیده را به چندین بند تقسیم می‌کند و در هر بند از یک قافیه جداگانه استفاده می‌کند. جمیل صدقی الزهاوی از سردمداران این نوع از سرایش شعر می‌باشد (خیر بک، ۱۹۸۶، ۲۳۴) عقاد در ابتدای کار خود که با "شکری و مازنی" در مکتب شعری "الدیوان" مشارکت داشت، در این زمینه دستی قوی داشت اما در دوره های بعد، از این سبک سرایش رویگردان شد. یک نمونه از قصایدی که وی به صورت مرسل سروده است، قصیده "أُمَّنَا الْأَرْضُ" می‌باشد که در صفحه ۵۶ همین رساله به تحلیل آن پرداخته شده است

وی یکی از سردمداران و بزرگان مکتب شعری «الدیوان» است که آثار متعددی در موضوعات دینی، ادبی، سیاسی و اجتماعی از خود به یادگار گذاشته است، از سوی دیگر وی یکی از بزرگان نقد روانشناسانه در جهان عرب به شمار می آید. عقاد در عرصه‌های مختلف ادبی قلم زد. ارزیابی، نقد و بررسی افکار سیاسی، اجتماعی و ادبی، از جمله کارهای او به حساب می آید. در زمینه شعر و ادبیات جدید عربی نیز حرف‌های تازه‌ای داشت. وی تلاش می‌کرد تا بتواند روح بلند امت را نه بر اساس نام‌ها، حوادث و رویدادهای تاریخی، بلکه بر طبق مظاهر طبیعت، عواطف بلند انسانی و فطرت پاک بشری معرفی کند و آزاداندیشی را در فضای علمی - فرهنگی جامعه رواج دهد. چرا که یکی از عبارتهایی که امروزه در محافل مختلف ادبی، زیاد به گوش می‌رسد این است که «آیا ادبیات متعلق به مردم است؟». حقیقت قضیه این است که رواج این عبارت بر سر زبانها و پیدایش مبانی عقیدتی این سخن، امری طبیعی و ضروری است؛ زیرا در روزگار نو، این ملت است که به کانون قدرتها تبدیل شده و توجه تمام امور جامعه و زندگی به سمت مردم است.

گفته‌اند که قلم مانند سیاست، پیرو حاکم است. روزگاری که حاکمیت در دست طبقه اشراف بود، ادبیات، زندگی و امیال این گروه را به تصویر می‌کشید و به مسائلی که برای آنها مهم و جذاب بود، می‌پرداخت. مسائلی که پیرامون موضوعاتی همچون امور کشور، پادشاهی، فتوحات جنگی، دلاوری‌ها، فخر، مجد و عشق در اشکال مختلف آن می‌گشت و کلاً امور گروهی خاص را شامل می‌شد. بیان همه این موضوعات نیز با اسلوبهای وزین، بسیار استادانه و پر طمطراق صورت می‌گرفت و برای گروهی که در کاخ‌ها زیر نظر مریبان بزرگ پرورش می‌یافتند، طرب‌انگیز بود. اما امروز حاکمان، خود مردم هستند و از این روی دگرگونی ادبیات امری منطقی است و عقاد کسی بود که نه برای به دست آوردن توجه و التفات حاکمان و سردمداران حکومتی، بلکه برای بیان درد ها و مشکلات اجتماعی و فردی انسان‌ها شعر می‌سرود و "عشق" و "طبیعت" از مهمترین موضوعاتی است که در اشعار عقاد جلوه گر است. در "عشق" حسن سیرت و زیبایی باطن مورد نظر است و در "طبیعت" این عظمت آفرینش است که قلب شاعر را به خود معطوف ساخته است.

یکی از آثار وی «دیوان اشعار» می باشد که خود بر چند قسمت تقسیم می شود:

- ۱- یقظه الصباح
- ۲- وهج الظهیرة
- ۳- اشباح الاصيل
- ۴- اشجان الليل
- ۵- وحی الاربعین
- ۶- هدیة الکروان
- ۷- عابر السبیل
- ۸- اعاصیر العرب
- ۹- بعد الاعاصیر
- ۱۰- ما بعد البعد

در این رساله سعی بر آن است که به بررسی و تحلیل موضوعات بخش دوم از دیوان اشعار وی « وهج الظهیرة» پردازیم، این نوشتار از سه فصل سامان یافته است که ذکر هر کدام از آنها جهت تفهیم و تبیین بحث اصلی لازم می نمود.

فصل اول به کلیاتی در باره بحث و اهمیّت آن می پردازد و بیان می دارد که طرح این پژوهش چه ضرورتی داشته و چه نتایجی را حاصل نموده است.

در فصل دوم به مسائل زیر پرداخته شده است: ۱- زندگانی عقاد ۲- مکتب شعری «الدیوان» ۳- محتوا و مضمون کلی اشعار او و آراء و عقاید وی در مورد شعر و شاعری. به طوری که خواننده با مطالعه ی این قسمت به شناخت مفیدی از شخصیت، آراء و ویژگی های شعر عقاد، دست می یابد.

و در نهایت، در فصل سوم به موضوع اصلی یعنی شرح و تحلیل اشعار دیوان "وهج الظهیره" پرداخته می شود؛ به عبارتی دیگر، در این فصل با استفاده از روشهای نقدی "روانشناسانه"، "فنی - هنری"، "جبرگرایی تاریخی-اجتماعی" و "اجتماعی ایدئولوژیک" در پی حلّاجی و شرح ابیاتی از این دیوان برآمده و از پس آنها به اندیشه و عقاید شاعر دست یابد.

فصل اول

کلیات تحقیق

## ۱-۱ بیان مسأله:

زمانی که تاریخ امتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم با انسان‌های نابغه‌ای مواجه می‌شویم که تاریخ امتشان را ساخته و به آن سطرهای طلایی اضافه کرده‌اند، که تا قرن‌ها باقی می‌ماند و راه را برای نسل‌های بعد روشن می‌کند. یکی از همین بزرگان، شخصیتی است به نام عباس محمود العقاد.

عقاد از شعرای مکتب شعری "الدیوان" است و این مکتب بر خلاف سایر مکاتب ادبی پیشین، دارای آراء متفاوتی نسبت به شعر است که از جمله این آراء می‌توان به «وحدت هنری و وحدت موضوعی شعر» اشاره کرد. پیروان این مکتب از سویی صاحب آرایبی در مورد وزن و قافیه در شعر بودند و از سویی دیگر معتقد بودند که شاعر باید در کنه اشیاء غور کند و این کار فقط با داشتن احساسی قوی نسبت به هستی، امکان پذیر می‌باشد.

عقاد صاحب دیوان‌های شعری متعددی است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به دیوان "یقظة الصباح" و "وهج الظهيرة"، "اشجان الليل"، "وحی الاربعین"، "هدیة الکروان" و "عابر السبیل" اشاره کرد. در این تحقیق، سعی بر آن است تا دومین دیوان شعر وی را که "وهج الظهيرة" نام دارد و آن را برای اولین بار در سال ۱۹۱۷ به چاپ رسانیده است، از نظر ساختاری و محتوایی مورد بررسی قرار داده و بدین شیوه به بن مایه فکری عقاد و ویژگی‌های شعر او دست یابیم.

## ۱-۲ اهداف تحقیق

- ۱- آشنایی با یکی از شاعران معاصر ادبیات عرب و آثار وی
- ۲- آشنایی با یکی از شاعران مکتب دیوان
- ۳- آشنایی با یکی از دیوان‌های عقاد و اغراض و سبک شعری شاعر
- ۴- معرفی، بررسی و نقد برخی از اشعار وی جهت دستیابی به دیدگاه‌های وی در مورد زندگی، جهان، عشق، و....

### ۳-۱ اهمیت، ضرورت و انگیزه انتخاب موضوع تحقیق:

از آنجایی که عقاد در عرصه نقد و ادبیات به عنوان شخصیتی برجسته و ممتاز شناخته شده و آراء جدیدی در این دو زمینه بیان نموده است، از این روی پرداختن به این شخصیت و کنکاش در اشعار وی، نگاه ما را نسبت به ادبیات می پروراند و به آن تکامل می بخشد و از سویی دیگر، معیار و مقیاس خوبی در سنجش داوریهها و سخنان گفته شده در باره ی شعر عقاد و صحت و سقم آن داوریهها و سخنان در عرصه ادبیات انتقادی حاصل می شود.

### ۴-۱ سوالات تحقیق

الف) آیا با بررسی اشعار دیوان "وهج الظهیره" می توان به ویژگی های سبک شعری عقاد پی برد؟

ب. آیا او در این اثر ادبی خود توانسته است به نظریه های ادبی خویش در زمینه شعر، جامه عمل بپوشاند؟

ج) از مجموعه ی اشعار دیوان "وهج الظهیره"، ضمن آگاهی از موضوعات قصاید آن و دستیابی به محور اصلی اشعار، چه نتایجی را می توان دریافت کرد؟

د) به طور کلی زبان شعری عقاد در این دیوان چگونه تبلور می یابد؟

### ۵-۱ فرضیات تحقیق

۱- نویسنده در این دیوان اغراض مختلفی را، غیر از آن چه دیگر شاعران بدان پرداخته اند، مورد بررسی قرار داده است. شاعر در این دیوان نگرش فلسفی خود را در مورد زندگی، دنیا و مرگ بیان می دارد و در مورد مسائلی همچون عشق، مسائل اجتماعی، عدم توجه به ظواهر امور، سال جدید،

شراب واقعی آراء و عقاید خود را بازگو می کند که در این رساله سعی بر آن است تا مطالب مربوط به این موضوعات را استخراج کرده و به بررسی آن‌ها پرداخته شود.

۲- او با اینکه از شعرای مکتب دیوان است و پیروان این مکتب شعری خود را ملتزم به رعایت قافیه نمی‌دانند، اما اصول موبوط به وزن و قافیه را در اشعارش رعایت نموده است البته تا آن جا که دست و پا گیرش نباشد و اگر یکی از آن دو عنصر، او را از اهداف خود باز می‌داشته، دیگر خود را ملزم به رعایت آن‌ها نکرده است و آن‌ها را واگذارده است. از این روی می‌توان گفت که او هم از حیث موضوع و هم از حیث سبک شعری بر اساس اصول شعری مکتب دیوان، شعر سروده و نظریات خود را در مورد شعر، که عبارت‌اند از پابندی به وحدت عضویه در قصیده، عدم تقلید صرف از قدما، تجدید در معانی و مفاهیم، در اشعارش پیاده نمود و تنها به نظریه پردازی اکتفا ننموده است.

## ۱-۶ واژگان کلیدی: عقاد، خرد مداری، زبان شعری، وهج الظهیره، تحلیل و نقد

## ۱-۷ روش تحقیق:

از آنجا که نگارش این سه فصل از فصول این پایان نامه مبتنی بر فیش برداری و گردآوری مطالب بوده است، روش کار کتابخانه ای برای به نگارش در آوردن این رساله انتخاب شده است؛ بدین صورت که ابتدا کتاب های مرجع و مرتبط با فصول مختلف این رساله گردآوری شده و از این میان، مطالب مفید و موثر در پیشبرد بهتر این تحقیق گردآوری و تدوین شده است، البته نباید فراموش شود که در موارد اندکی نیز از اینترنت و برخی از سایت های عربی استفاده شده که مهمترین آن ها برای دانلود برخی از

آثار عقاد، سایت [www.al-mostafa.info](http://www.al-mostafa.info) بوده است

## ۸- پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی انجام شده و جستجو در کتاب‌ها، پایان نامه‌ها و مقالات این نتیجه حاصل شد که کتاب‌های زیادی در مورد عقاد نوشته شده است و آراء او را در مورد نقد، شعر، نثر و به طور کلی فنون ادبی ابراز داشته است. از دیگر سو عقاد خود، چندین کتاب در مورد شخصیت و آراء خویش به نگارش در آورده است که در آن‌ها توضیحات مفیدی در باره زندگی‌نامه، آراء و عقاید خود در مورد شعر، بیان داشته است. به طور کلی به جرأت می‌توان گفت که بیشتر کتابهایی که در مورد ادبیات معاصر نوشته است به نوعی به دیدگاه‌های او در مورد شعر پرداخته است.

اما شاید بتوان گفت تنها پایان نامه ای که به صورت کامل و مستقل در مورد شخصیت عقاد و آراء وی یافت شده است، پایان نامه ای است تحت عنوان:

"جایگاه ادبی عقاد در ادبیات معاصر عربی" که با راهنمایی دکتر محمد علی آذرشب و توسط سردار اصلانی در دانشگاه تربیت مدرس تهران دفاع شده است. این پایان نامه متشکل از شش فصل است که در فصل اول به زندگی و آثار عقاد، در فصل دوم به آراء و نمونه‌های نقدی عقاد، در فصل سوم به عقاد و ادبیات غرب، در فصل چهارم به جایگاه عقاد در اندیشه اسلامی، در فصل پنجم به عقاد و ادبای معاصر عربی و در فصل ششم به جایگاه عقاد در ادبیات معاصر عربی پرداخته شده است. البته باید توجه داشت در این پایان نامه، اشاره‌ای به دیوان شعری "وهج الظهیره" نشده است. همچنین مقالات زیادی در مورد عقاد و فعالیت ادبی و اجتماعی او نوشته است که به نوعی به زندگی-نامه، آثار و شعر او پرداخته است که از جمله این مقالات می‌توان به مقاله زیر اشاره کرد.

"العقاد، نشاطاته و آثاره" که توسط مجتبی رحمان دوست نوشته شده که در آن نیز اشاره ای به دیوان "وهج الظهیره" نشده است.

باید در نظر داشت که در سایت های اینترنتی نیز هیچ اشاره‌ای به اشعار موجود در این دیوان و نقد آن نشده است و این مطلب ضرورت انجام تحقیق را می‌رساند.



## ۹-۱ محدودیت‌ها و مشکلات کار:

تحقیق و پژوهش در باره‌ی شخصیت‌های ادبی جهان عرب، نیازمند آن است تا فرد پژوهشگر آشنایی کامل با زبان عربی داشته باشد و همچنین اطلاعات گسترده‌ای از ناقدان مشهور و معاصر عرب زبان، دارا باشد زیرا عدم وجود این آشنایی، سبب می‌شود تا فرد غیر عرب در داوری و قضاوت شخصیت‌های ادبی عرب زبان، چندان از رایحه‌ی نقدی ناقدان و ادیبان فارسی زبان، پیرامون شخصیت مورد نظر، استشمام نکند که این امر در تحقیق اینجانب نیز وجود داشته است. از سوی دیگر اکثر منابع استفاده شده در این تحقیق به زبان عربی می‌باشد و حال آنکه پایان نامه اینجانب به زبان فارسی به نگارش در آمده است، و در نتیجه ترجمه دقیق و روان آن مطالب باعث به طول انجامیدن نگارش این رساله شده است از طرف دیگر به علت کمبود منابع اطلاعاتی فارسی در خصوص این دیوان مستقل "وهج الظهيرة" عمده‌ترین محدودیت‌های این تحقیق رقم خورد.

## فصل دوم

نگاهی به زندگی نامه، آثار و شعر عقاد

## ۲-۱ زندگی نامه عقاد

زندگی نامه عقاد شامل دو بخش است اول: زندگی نامه خانوادگی، دینی، سیاسی و اجتماعی و دوم: حیات علمی و ادبی اوست که با نگارش مقالات در روزنامه ها و مجلات شروع شد و خود او این دوره از زندگی اش را "حیات قلم" نام نهاد.

روایت ها در مورد تاریخ ولادت عقاد مختلف است؛ گفته شده است که وی متولد روز اول (یونسی، ۲۰۰۲، ۱) و گفته شده وی متولد روز بیست و هشتم یولیو (العقاد، ۲۰۰۱، ۳۸) از سال ۱۸۸۹م بود. عباس محمود العقاد به سال (۱۸۸۹) در اسوان در یک خانواده متوسط مصری به دنیا آمد. پدر عقاد، از متدینین و اهل عبادت و ورع بود. او علاقه وافری به دانش، به ویژه علوم الهی و انسانی داشت و منزل او جایگاهی برای بیان حقایق اسلامی، تاریخی و امثال و حکم بود. عقاد از قول نویسنده آمریکایی «وندل هولمز» می گوید: «هر انسانی بدون استثنا در یک چهره واحد سه شخصیت دارد. اول شخصیت انسانی، آن گونه که خدا آفریده است. دوم انسان از دیدگاه مردم و سوم انسان از دیدگاه خود او» (العقاد، ۱۹۸۲، ۱۷). عقاد در مورد حالت اول می گوید: «خدا مسئول ویژگی های آفریده شده در بندگان است. در مورد دوم، مردم نیز مسئول هستند و آرائی دارند و به عنوان نمونه می گویند او تکبری شدید و قساوتی سخت دارد. او انسانی است که در بین کتب زندگی می کند و با زندگی و حیات، تعامل و برخوردی ندارد و اینکه او مردی است با نیروی منطقی و تفکر استوار که عاطفه و احساس را در او راهی نیست. یا اینکه او مردی است که شب و روزش با جدیت و قاطعیت سپری می شود و لبانش به خنده ای باز نمی شود مگر اینکه استغفار می طلبد. آنچه گفتیم عباس محمود العقاد از دیدگاه مردم است. وی سپس دیدگاه سوم را در مورد خودش بیان می کند و می گوید: « او مردی است شدید متواضع، مهربان و با عاطفه، آنچه در باره زندگی او در لا به لای کتاب ها آمده است فقط به خاطر تعامل و برخورد خوب وی با مردم است. او مردی است که یک لحظه از نیرو، اراده، عاطفه قلبی و احساس جدا نیست. او بسیار اهل خنده و فکاهه است.» در مرحله ای از زندگی اش مایل به عزلت و انفراد بوده و در این رابطه می گوید: « مردم می گویند عزلت عقاد به دلیل عقده های روانی اوست ولی این مسأله ناشی از عقده های روانی نیست، عزلت نشینی را از پدر و مادرم به ارث برده ام. از تنهایی و عزلت طولانی مدت رنج نمی برم زیرا مطالعه و بررسی می -

کنم و می‌نویسم، هر چند که از مردم دورم ولی تنها نیستم و دوستدار صداقت و دشمن کینه‌توزی هستم (العقاد، ۱۹۸۲، ۱۹-۱۸). در آثار عقاد و موضع‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی و ادبی او کاملاً مشهود است که عزلت عقاد و تفکر و تحقیق او فقط به دلیل ورود به چالش‌های سیاسی، ادبی، اجتماعی و شرکت در حرکت‌های ضد استبدادی بوده است.

عقاد به زندگی و حیات بدبین نیست، وی می‌گوید: « برای ادامه زندگی انگیزه‌هایی دارم که اگر اینها نبود هرگز راضی به ادامه آن نمی‌شدم، یعنی صفات و خصلت‌هایی در من است که معتقدم می‌توانم به مردم عطا کنم. از برخی صفات خویش و مردم راضی نیستم و بلکه از آن خصلت‌ها کراهت دارم. بالاخره اگر خیری نیز در حیات گذشته‌ام نبوده است مجبور به ادامه زندگی با خیر و شرش هستم. از حیات کاملاً راضی هستم» (همان منبع، ۱۵-۱۶).

شیوه انتقاد و حمله او به دیگران این‌گونه بود که تا مطمئن نمی‌شد شخص، شایسته‌ی انتقاد است از او انتقاد نمی‌کرد. در انتقاد کردن حد متوسطی نمی‌شناخت. معتقد بود فردی که به وطن و انسانیت خویش خیانت کند، شایسته تحریم و تاختن است. وی اعتقاد راسخی به خدا داشت و او این اعتقاد را نه فقط از راه وراثت و تحت تاثیر قرار گرفتن از ایمان پدر و مادر، بلکه با تأمل، شعور و تفکر طولانی به دست آورده بود. البته نباید فراموش شود که خانواده مذهبی وی در اعتقاد و ایمان و تحکیم و ترسیخ این ایمان، نقش والایی داشتند. او می‌گوید: « در خانواده‌ای رشد کردم که پدر و مادرم تمام فرائض را انجام می‌دادند و قصوری در واجبات دینی از آنها دیده نمی‌شد و نوافل را اعم از نماز، روزه و ادعیه را به جای می‌آوردند» (العقاد، ۱۹۸۲، ۱۹-۲۰).

بخش دوم زندگی عقاد، زندگی ادبی، علمی و سیاسی اوست. عقاد از همان اوان کودکی با نویسندگان و علماء ارتباط داشت سپس به مدرسه رفت و در سال (۱۹۰۳) از مدرسه ابتدائی فارغ التحصیل شد. معلمان عقاد به ذکاوت و هوش و استعدادهای ذوقی او پی بردند. در سن شانزده سالگی از شهر خویش کوچ کرد و تحصیلات عالی را در مدارس و مؤسسات رسمی به پایان رساند. با تلاش بسیار و استعداد قوی خویش، غور در مباحث فلسفی، ادبی، جامعه‌شناسی، تاریخی و روان‌شناسی و الهیات را آغاز کرد.